

هاچین

بود و بود و بود

• افسانه شعبان‌نژاد

بود و بود و بود، سه تا تیله بود.
اولی قِل خورد، قِل و قِل و قِل.
بیچاره تیله، افتاد توی گل.
دومی دوید، تاپ و تاپ و تاپ.
بیچاره تیله، افتاد توی آب.
سومی کجاست؟ سومی خوابه.
نه توی گله، نه توی آبه!



قصه‌های الکی پلکی

• سپیده خلیلی

فیل کوچولو دنبال خانه می‌گشت. رفت و پیچ بالای خانه‌ی حلزون را اجاره کرد. فیله هر روز می‌رفت حمام. آب چکه‌چکه می‌ریخت روی سر حلزون که توی پیچ پایینی زندگی می‌کرد. یک روز سقف خانه‌ی حلزون خراب شد. فیل افتاد پایین. حلزون یک لگد به او زد. فیل رفت تو هوا. چشم زرافه به فیل افتاد. دُمش را گرفت، داد دست بچه‌اش و گفت: «بیا این هم بادکنکی که می‌خواستی!»



واچین

• تصویرگر: میترا عبداللهی

اسمش چیه؟



اسمش چیه؟
پیازه!
نرم و سفید و نازه
ریشه‌ی اون درازه
خونه‌ش کجاست؟
زیر خاک
با آب می‌شه پاکِ پاک
چه بوی تندی داره
اشکاتو در می‌آره

شعرهای بندانگشتی



• مصطفی رحماندوست

باف و باف و باف، عمو زنجیر باف
به جای زنجیر، موهامو بیاف

ترانه

• جعفر ابراهیمی



گنجشکه روی شاخه‌ای
تاب می‌خورد
موشه کنار رودخونه
آب می‌خورد
گربه اومد
دادار، دادار، دادار کرد
گنجشکه افتاد و موشه فرار کرد

میو میو، گربه منو صدا کرد
گوش ندادم، چه آتیشی به پا کرد



از آسمون می‌باره
پنبه‌ی مُفتی مُفتی
پیا زمین نیفتی